

پژوهشی پیرامون عبادت صبی از دیدگاه فقه امامیه

چکیده

مقاله حاضر در پی اثبات این است که نظریه مشهور فقهای شیعه مبنی بر مشروعیت عبادات کودکان و ثبوت استحباب شرعی برای این عبادات قابل قبول است، چرا که؛ (۱) عمومات و اطلاقات تکالیف، شامل غیر بالغین نیز می‌باشند. (۲) عمومات و اطلاقات غیر تکلیفی و سایر ادله دلالت بر این دارند که عبادات کودکان دارای امر شرعی بوده و مشروعیت و استحباب برای آن مترتب است. (۳) برخی روایات مستقیماً به مشروعیت و استحباب عبادات کودک اشاره دارند و دقیقاً در خصوص کودک پرداخته است. (۴) پذیرفتن عبادات کودکان و مشروعیت آن‌ها مطابق با قاعده لطف و مورد پذیرش عقل است. (۵) برخی امور حقوقی کودک مانند صدقه، هبه، وقف و ... در مورد کودکان صحیح دانسته شده است و با توجه به دلالت ادله عبادات کودکان نیز مورد قبول واقع شده و مشروعیت دارد. در این مقاله تلاش شده است تا به تفصیل تمامی این ادله مورد نقد و بررسی قرار گرفته و در نهایت نظریه مختار تبیین شود.

واژگان کلیدی

عبادت، صبی، حکم تکلیفی، عمومات، اطلاقات

طرح مسئله

مبحث مشروعیت عبادات اطفال همواره یکی از سؤالات اصلی فقه امامیه بوده است. بر طبق نظریه اول عبادات اطفال از نظر فقهی و شرعی استحباب و مشروعیت دارد؛ بدین معنا که فقط وجوب و الزام در عبادات از کودکان برداشته شده، ولی استحباب و مشروعیت همچنان باقی است؛ زیرا که در این صورت کودکان با انجام عبادات پاداش این اعمال را به عنوان یک عمل مستحب دریافت خواهند کرد.

ذکر این نکته لازم است که طبق مطلب قبلی نتیجه مشروعیت عبادات کودکان، استحباب و مندوبیت بوده و نتیجه استحباب این عبادات ترتب ثواب و پاداش است؛ بنابراین ترتب ثواب بر عبادات کودکان در این نظر فقط در صورت اثبات استحباب شرعی آن امکان پذیر است (شهید اول، بی تا، ص ۲۶؛ شهید اول، ۱۴۱۲، ج ۱، ۲۶۸).

بر طبق نظر دوم، عبادات در مورد کودکان صرفاً جنبه تمرینی داشته و دارای هیچ مشروعیت یا استحبابی نیست که در این صورت کودک در قبال انجام عبادات پاداش و ثوابی دریافت نمی کند؛ نهایت اینکه می توان گفت کودک به جهت وادار کردن او به عبادت ثواب و پاداش دریافت خواهد کرد و یا در نظریه سوم معتقد شویم که عبادات کودکان جنبه تمرینی دارد، ولی همین تمرین دارای پاداش خواهد بود. در هر حال از این نظریات یا نظریات دیگری در این باب و قبول هر یک از این آراء در فقه امامیه دنیای جدیدی فرا روی کودکان و مخصوصاً جنبه عبادات آنها گشوده می شود.

چنانکه می دانیم کودکان دارای روح بسیار لطیف و دنیایی پاک و بی آلایش بوده و همچون زمین حاصلخیزی هستند که اگر بذر نیکی و سعادت در آن پاشیده شود به رستگاری و چنانچه بذر پلیدی و زشتی در آن افکنده شود به شقاوت منتهی خواهد شد. آموخته های دنیای کودکی ماندگارترین و پایدارترین آموخته های انسان در تمام عمر او است؛ بنابراین باید برای این دوران بسیار مهم برنامه ای ویژه داشت و سرمایه گذاری بیشتری برای آن جهت سعادت مند شدن آنان در دوران بعدی زندگی انجام داد.

دین مبین اسلام نیز به این مطلب توجه کامل داشته و با اینکه تکلیف را از کودکان برداشته اما همواره به تربیت آنان همت گمارده و برنامه های ویژه تربیتی خود را مرحله به مرحله ارائه کرده و اولیاء را موظف به توجه نموده است. یکی از مهمترین برنامه های

تربیتی اسلام آشنا کردن کودکان با عبادات است و چنانکه در آینده خواهیم گفت روایات متعددی نیز در این زمینه از معصومین (ع) به ما رسیده است، بر اساس این روایات، والدین موظفند کودکان خود را از سنین خردسالی با عبادات و مخصوصاً نماز آشنا کرده و آنها را به انجام این عبادت وادار کنند.

مهمترین سؤالی که در این مقاله به آن پرداخته‌ایم، این است که نظر اسلام درباره مشروعیت و استحباب عبادات کودکان چیست؟ و آیا عبادات اطفال را به عنوان عمل مستحب پذیرفته یا فقط به دید تمرین به آن می‌نگرد؟

آنچه باید به آن توجه داشت اینکه ما در این مقاله به دنبال اثبات مکلف بودن یا نبودن کودک (چه کودک ممیز و چه کودک غیر ممیز) نیستیم؛ زیرا چنانکه مشخص است تکالیف الزامی اعم از وجوب و حرمت برای کودک اگر چه ممیز باشد، ثابت نیست؛ چون ثبوت تکالیف با بلوغ شروع می‌شود حتی در جواهر الکلام گفته شده که ثبوت تکالیف از زمان بلوغ از ضروریات مذهب است (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۱۱، ص ۲۵۸).

همچنین باید توجه داشت که پژوهش این مقاله درباره اثبات یا عدم اثبات ترتب ثواب بر عبادت کودک نیست، گرچه گفتیم که مشروعیت و ترتب ثواب با هم ملازمه دارند، اما بحث اصلی این پژوهش درباره اثبات مشروعیت عبادات صبی با توجه به توقیفی بودن عبادات است، از طرف دیگر ترتب ثواب و پاداش از حوزه فقه خارج است، اگرچه فقها در برخی موارد از داشتن اجر یا مجازات اخروی بحث کرده‌اند، اما چون فقه علم به احکام آن هم با موضوعیت افعال انسان است، نمی‌توان پاداش یا مجازات اخروی را جزو احکام دانست، بلکه امری است مربوط به عدل و فضل الهی. اکنون سؤال این است که آیا عبادات کودک مشروعیت دارد یا خیر؟

به عبارت بهتر بحث اصلی مقاله مشروعیت عبادات کودکان - به لحاظ اینکه عبادات توقیفی بوده و بدون تشریح نمی‌توان عبادتی را انجام داد - است. بنابراین، اگر این عبادات مشروعیت داشته و تشریح شده باشد، قابل انجام و امتثال خواهد بود و در غیر این صورت قابل امتثال به عنوان عمل شرعی نبوده و صرفاً حالت تمرینی خواهد داشت.

آیا عبادات کودک پس از رفع وجوب، استحباب و مندوبیت دارد یاخیر؟ به گونه‌ای که بر آن عبادات اطاعت و امتثال اوامر مولوی استحبابی صدق کند و متصف به صحت شود و در صورت قبول نیابت غیر در اتیان عبادات، این عبادت صحیح باشد. اما اگر عبادات در حق کودک مشروعیت نداشته باشد در این صورت کودک نمی‌تواند این عبادات را اطاعت و امتثال اوامر مولوی بجا بیاورد و در صورتی که چنین کند تشریح حرام خواهد بود (بحرانی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۵۳؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۶۹؛ بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۰۹).

۱. ادبیات نظری تحقیق

۱-۱. بلوغ

کودک یا طفل، در فقه به فردی اطلاق می‌شود که به بلوغ شرعی نرسیده باشد. در میان فرق اسلامی، شافعیان و حنابله سن بلوغ را در زن و مرد ۱۵ سال و مالکیان ۱۷ سال می‌دانند. حنفیان نیز بلوغ پسر را در ۱۰ سالگی و دختر را ۱۷ سالگی ذکر کرده‌اند (علامه حلی، بی‌تا - ب، ج ۱۴، ص ۱۹۵).

فقه امامیه غالباً سن بلوغ را در پسر ۱۵ و در دختر ۹ سال تمام قمری می‌داند. اگرچه برخی متأخرین شیعه، بلوغ دختران را در ۱۳ سالگی محقق شمرده‌اند (حسینی قندهاری، ۱۴۲۴، ص ۲۴۴). با این همه، به نظر برخی سن بلوغ شرعی بر اساس نظر بیشتر فقیهان، ۹ سالگی در دختران و ۱۵ سالگی در پسران است (انصاری دزفولی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۰۷). البته فقیهان افزون بر سن، نشانه‌های دیگری، چون رویدن موی خشن زیر بغل و عانه فرد و احتلام را نیز شرط بلوغ ذکر کرده‌اند (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ج ۹، ص ۲۳۷). البته در دختران عادت ماهانه و حمل اماره بلوغ محسوب می‌شود (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۶ ص ۴۲).

۲-۱. مشروعیت

شرع، شریعت و مشرعه در لغت به معنی محل جریان آب و نیز امری که خداوند در دین تشریح نموده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۵۲؛ جوهری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۲۳۶).

در اصطلاح مشروعیت حالتی است که عمل یا عبادتی از طرف شارع مقدس تشریح شده و بندگان حق انجام دادن آن را به عنوان عمل شرعی داشته باشند، در غیر این صورت یعنی اگر عملی از طرف خداوند به عنوان عمل مستحب یا واجب تشریح نشده باشد، مسلماً بندگان نیز حق معرفی یا انجام آن به عنوان عمل شرعی را نداشته و در غیر این صورت مرتکب تشریح حرام و بدعت شده‌اند (شهید اول، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۶).

۳-۱. صحت

صحت در لغت نقیض مرض و آفه، و به معنای از بین رفتن عیوب یا بیماری از یک چیز است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۴؛ جوهری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۸۱؛ عسکری، ۱۴۱۲، ص ۲۸۱).

صحت، در اصطلاح یکی از احکام وضعی بوده و به حالتی گفته می‌شود که عمل موافق با شرایط انجام شده و اثر شرعی بر آن مترتب می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۵۹؛ فخر المحققین، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۰۸؛ بحرانی، بی تا، ج ۲۱، ص ۲۲۴).

شهید ثانی درباره معنی صحت در عبادات می‌فرماید: صحت در عبادت بنا بر نظر مشهور عبارت است از: موافقت عمل انجام شده با امر و حصول آنچه باعث ترتب ثواب می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۶۳). همچنین محقق اردبیلی صحت در عبادات را حالتی دانسته که در آن وجوب اعاده یا قضاء از انسان ساقط می‌شود (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۵۱).

۴-۱. تمرین

در لغت به معنی استمرار داشتن بر امری و تکرار آن است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۱۶۵). و در اصطلاح نیز به همین معنا می‌باشد و منظور در بحث حاضر تکرار و استمرار بر عبادت از طرف کودک به جهت انس گرفتن با عبادت و آشنایی با احکام و نحوه انجام آن است (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۱۰).

البته چنان که خواهیم گفت در نظریه تمرینی بودن عبادات، شرعی بودن آن و ترتب ثواب برای کودک منتفی است.

۲. اقوال فقهاء در مسأله عبادت صبی

فقیهان عالیقدر شیعه در این باره سه نظریه مهم بیان داشته‌اند که عبارتند از: □

- ۱- عبادات کودک مشروعیت دارد.
- ۲- عبادات کودک حالت تمرینی دارد.
- ۳- عباداتش صحیح است اما مشروعیت ندارد.

۲-۱. مشروعیت عبادات کودکان

قول اول قول مشهور فقهای شیعه است. شیخ طوسی در مبسوط آورده است: «هرگاه کودک نیت روزه کند، روزه او صحیح است و روزه او کامل شرعی خواهد بود» (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۷۸). وی در کتاب نهاییه نیز می‌فرماید: «مستحب است که کودکان را به روزه گرفتن وادار کرد، اگر به نه سال رسیده و طاقت روزه گرفتن دارند؛ اگرچه روزه گرفتن بر آنها واجب نیست» (طوسی، بی تا، ص ۱۴۹).

در کتاب تذکره آمده است: «آیا نماز کودکان مشروعیت دارد؟ مشهور همین نظر را دارند» (علامه حلی، بی تا - الف، ج ۲، ص ۳۳۱). و در بخش صوم می‌فرماید: «هیچ خلافی بین علماء در مشروعیت روزه کودکان وجود ندارد. سپس می‌فرماید: «قول بهتر آن است که روزه کودکان مشروعیت دارد و از نظر شرعی صحیح است و نیت روزه از طرف آنان صحیح است، البته باید نیت استحباب کنند» (علامه حلی، بی تا - الف، ج ۶، ص ۱۰۱).

محقق حلی می‌فرماید: «نیت کودک ممیز صحیح است و روزه او مشروعیت دارد» (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۸۸). شهید اول نیز در کتاب‌های خود مشروعیت روزه کودک را پذیرفته و آن را مستحق ثواب و پاداش دانسته است. (شهید اول، ۱۴۱۲، ص ۲۶). صاحب حدائق نیز نیت کودک ممیز را صحیح و عبادات او را شرعی می‌داند (بحرانی، بی تا، ج ۱۳، ص ۵۳).

شهید ثانی مشروعیت نماز کودک را پذیرفته و نیت کودک را مبنی بر وجوب یا استحباب به انتخاب خود کودک دانسته است (شهید ثانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۵۷). و نیز در باب روزه کودک می‌فرماید: «روزه کودک ممیز شرعی است». وی در دروس نیز به

همین مطلب تصریح کرده است؛ زیرا صحت به معنی تمامیت عمل بر وفق امر شرعی است؛ بنابراین مشروعیت نیز دارد» (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۲، صص ۱۰۱-۱۰۲).

البته خود شهید ثانی سپس در مشروعیت روزه کودک تردید کرده و قول به عدم مشروعیت را بیان نموده است (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۲، صص ۱۰۱-۱۰۲). علامه حلی در کتاب مختلف عبادات کودک را تمرینی دانسته، زیرا تکلیف مشروط به بلوغ است و چون کودک به بلوغ نرسیده عبادات او شرعی نیست (علامه حلی، ۱۴۱۳، ص ۲۱۶).

صاحب مدارک پس از بیان نظر علامه حلی می‌فرماید: «این استدلال قابل مناقشه است؛ زیرا عقل تعلق خطاب به کودک ممیز را می‌پذیرد و تکالیفی که از کودک برداشته شده تکالیف حرام یا واجب است، ولی تکلیف به عمل مستحب نه از نظر شرع و نه از نظر عقل مانعی ندارد و چون این تکالیف به صحت و فساد وصف شده‌اند خود نشان دهنده شرعی بودن آن است؛ زیرا اگر شرعی نبودند قابل وصف به صحت و فساد هم نبودند» (عاملی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۴۲).

۲-۱-۱. ادله مشروعیت عبادات کودک

قبل از اینکه نتیجه گیری خاصی درباره نظریات مطرح شده در باب مشروعیت یا عدم مشروعیت عبادات کودکان داشته باشیم لازم است که ادله طرفین را مورد بررسی قرار داده تا مشخص شود در این رابطه کدام ادله محکم‌تر و قابل اعتمادتر می‌باشد. بنابراین ابتدا به بررسی ادله قول مشهور فقهاء پرداخته و سپس ادله دیگر را نیز مطرح و بررسی می‌کنیم:

۲-۱-۱-۱. عمومات و اطلاقات تکالیف

دستورات و اوامری که بیان کننده تکالیف هستند تخصیص نخورده و مقید نشده‌اند و هم شامل بالغین و هم شامل کودکان می‌شوند؛ مانند آیه شریفه «اقیموا الصلاه» (بقره: ۴۳) و آیه شریفه «فمن شهد منکم الشهر فلیصمه» (بقره: ۱۸۵). اکنون می‌توان گفت که تکالیف وجوبی به بلوغ تخصیص خورده‌اند، اما تکالیف‌های مستحبی چنین تخصیصی ندارند و عقلاً و شرعاً مانعی از شمول آنها در مورد کودکان وجود ندارد (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۱۲؛ عاملی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۴۲).

برخی ادعای انصراف این ادله به بالغین را کرده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۵). آیت الله بجنوردی در القواعد الفقهیه در جواب این مناقشه می‌فرماید: «دعوی انصراف ادله به بالغین صحیح نیست؛ زیرا شارع مقدس در قانونگذاری و رساندن احکام به مکلفین با عرف، هم روش است و می‌دانیم که عرف بین انسان بالغ و انسانی که زمان کمی به بلوغش مانده فرقی نمی‌گذارد و این دو را به یک صورت مورد خطاب قرار می‌دهد، پس این ادعا که عمومات تکالیف فقط شامل افراد بالغ می‌شود و غیر بالغین را شامل نمی‌شود ادعایی بدون دلیل است» (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۴، صص ۱۱۲-۱۱۳).

همچنین آیت الله فاضل لنکرانی می‌فرماید: «ادعای انصراف عمومات و ادله تکالیف به بالغین اصلاً قابل مطرح شدن نیست؛ البته ادله‌ای که تکالیف وجوبی یا امور حرام را بیان می‌دارد، تخصیص به بالغین دارند، اما هیچ تخصیصی در مورد بقیه احکام در مورد بالغین ثابت نشده است» (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶، ص ۳۴۷).

اشکال دیگری که بر این ادله وارد شده، حدیث «رُفِعَ الْقَلَمُ» است که بیان می‌دارد: تکلیف از کودک برداشته شده است و هیچ تکلیفی برای او نوشته نشده است، چه تکلیف وجوبی باشد و چه استحبابی. بنابراین کودک قبل رسیدن به بلوغ به هیچ تکلیفی اعم از وجوبی و استحبابی مکلف نیست و بنابراین دلیلی برای قائل شدن به مشروعیت عبادات اطفال وجود ندارد (خویی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۱۷۶).

به این اشکال نیز می‌توان به اینگونه پاسخ داد که برداشته شدن تکلیف از کودک امتنانی بوده و از باب امتنان و لطف بوده است و این بدین معنا است که مؤاخذه و عذاب از کودک برداشته شده است؛ بنابراین محبوبیت اعمالی که کودک انجام می‌دهد، مانند عبادات باقی می‌ماند و همین برای مشروعیت عبادات اطفال کافی است. به عبارت دیگر حدیث رفع القلم فقط الزام را برداشته است و چنانچه فردی در شرایط عسر و حرج اقدام به اتیان تکلیف کند از او پذیرفته بوده و حتی ثواب بیشتری هم خواهد داشت (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۱۳؛ بحرانی، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۲).

۲-۱-۱-۲. عمومات و اطلاقات غیر تکلیفی

عمومات و اطلاقاتی وجود دارد که تشویق به انجام عبادات می‌کنند و تخصیص یا تقییدی به بالغین در آن‌ها دیده نمی‌شود. مانند روایت: «الصلاة قربان کل تقی»؛ نماز وسیله تقرب به خداوند برای انسان پرهیزگار است. چنانکه دیده می‌شود این روایت مقید به انسان‌های بالغ نشده و بلکه بر عکس تصریح دارد که تقرب به خدا برای هر انسان باتقوایی به وسیله نماز حاصل می‌شود، چه بالغ باشد و چه نباشد (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۰).

و نیز روایت «الصوم جنة من النار» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۲۹۸). که در این روایت نیز تقیید یا تخصیصی بر بالغین دیده نمی‌شود؛ پس شامل کودکان نیز می‌شود و چنانکه برخی از فقها نیز نتیجه گرفته‌اند با توجه به این روایات می‌توان بر مشروعیت عبادات کودکان استدلال کرد (محقق داماد، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۴۱۷).

۲-۱-۱-۳. عمومات و اطلاقاتی که دلالت بر ترتب ثواب دارند

این عمومات و اطلاقات نیز تقیید یا تخصیص به بالغین نشده‌اند؛ مانند آیه شریفه «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا...»؛ هر کس یک عمل نیک انجام دهد ده برابر به او پاداش داده می‌شود (انعام: ۱۶۰). و نیز مانند روایت «من صام ذلك اليوم - ای سبعة و عشرين من رجب - كتب الله له صيام ستين شهرا»؛ هر کس آن روز - یعنی ۲۷ رجب - را روزه بگیرد، خداوند برای او ثواب شصت روز، روزه را می‌نویسد» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۱۴۹؛ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۳۳۰). چنانکه گفتیم این نصوص غیر بالغین را هم شامل می‌شود.

آیت الله فاضل لنکرانی در تکمیل این دلیل بیان می‌دارد که سیاق اینگونه عمومات مانند: «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» است، همانگونه که عمومات «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» اختصاص به بالغین ندارد، عمومات عبادات نیز اختصاص به بالغین نخواهد داشت (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶، ص ۳۴۷).

۲-۱-۱-۴. آیات دال بر عدم تضييع پاداش عمل خوب

مانند آیه «إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا»؛ ما پاداش کسی را که نیکوکاری کرده است تباه نمی‌کنیم (کهف: ۳۰)، آیه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ»؛ هر که کار شایسته کند به سود خود اوست (فصلت: ۴۶)، و آیه «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا»؛ روزی که هر کسی آنچه کار نیک به جای آورده و آنچه بدی مرتکب شده حاضر شده می‌یابد (آل عمران: ۳۰).

اینگونه آیات نیز هم شامل بالغین و هم شامل غیر بالغین می‌شود و بلکه می‌توان گفت این نسبت به عمومات دیگر امتیازی دارد و آن اینکه متن این آیات از پذیرش تخصیص یا تقیید نسبت به بالغین امتناع و ممنوعیت دارد؛ زیرا تصریح دارد که اجر و ثواب هیچ فردی تضييع نخواهد شد؛ پس اگر کودک نیز فعل خوبی مثل صلاه را انجام دهد بر فعل او فعل حسن صدق می‌کند و بنا به صریح این آیات خداوند اجر و ثواب آن را تضييع نخواهد کرد و این مستلزم مشروعیت عبادات کودک است.

دلالت به این آیات، ایراد وارد شده و آن دلالت حدیثی است که ظاهراً با دلالت این آیات منافات دارد و آن حدیث عبارت است از: «عمد الصبی و خطائه واحد»؛ افعال عمدی کودک و اعمال خطایی او با هم مساوی است (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۹، ص ۳۰۷).

این حدیث دلالت دارد بر این که افعال عمدی کودک که شامل عبادات نیز می‌شود، مانند خطا می‌باشد و همانطور که اعمال خطایی انسان بالغ فاقد قصد بوده و بدون توجه انجام می‌گیرد، افعال عمدی کودک نیز فاقد قصد و توجه بوده و بنابراین ارزش و اعتبار ندارد و شرعی نخواهد بود، اما واقع این است که این روایت بر معنایی که از آن قصد شده دلالتی ندارد؛ زیرا این روایت در مورد جزئیات و امور مربوط به جرائم می‌باشد.

دلیل این مطلب این است که برخی امور حقوقی و مدنی کودک مشروعیت دارد و صحیح است؛ مانند: قبول هدیه و اخذ آن، حیازت مباحات، بنابراین عبادات او نیز می‌تواند مشروعیت داشته باشد، که ادله قبلی نیز این مطلب را اثبات کرد.

۲-۱-۱-۵. روایات دال بر امر کودکان بر عبادت

مانند: «انا نأمر صبیاننا بالصلاه اذ اکانوا نبی خمس سنین، فمروا صبیانکم بالصلاه اذ کانوا نبی سبع سنین» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۲)؛ ما فرزندانمان را از پنج سالگی امر به نماز می‌کنیم، پس شما نیز کودکانتان را از هفت سالگی به نماز وادار کنید.

این روایت دلالت بر امر کردن کودکان به صلاه و صوم ... دارند و عملی که امر شرعی داشته باشد، صحیح نیز خواهد بود. البته قرینه دال بر ترخیص و اجازه ترک برای کودکان وجود دارد؛ یعنی کودکان مجبور به انجام عبادات نیستند و می‌توانند انجام ندهند، اما اگر انجام دادند، عمل آنها مطابق امر شرعی بوده و مشروعیت و مقبولیت خواهد داشت (عراقی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۹۹؛ خویی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۱۷۵؛ بحرانی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۵۵).

آیت الله خویی در تأیید این مطلب می‌فرماید: «عمده دلیل اثبات مشروعیت اطفال و اینکه این عبادات صوری و تمرینی نیست همین دسته اخبار و روایات است که دلالت بر تعلق امر شرعی بر عبادات کودکان دارد (خویی، ۱۴۱۸، ج ۲۱، ص ۵۰۲).

برخی بر این دلیل ایراد وارد کرده و گفته‌اند: این روایات دلالت بر تحقق تمرین دارند یعنی دلالت دارند بر اینکه والدین باید کودکان را برای نماز خواندن تمرین بدهند و آنها را به این امر آشنا سازند و عادت دهند تا هنگامی که به سن بلوغ رسیدند نماز خواندن برای آنها امری طبیعی و ساده ای باشد و دچار مشکل نگردند، پس این گروه روایات دلالت بر تمرین کردن کودکان دارد ولی صلاه شرعی از آنها واقع نخواهد شد.

در جواب این اشکال گفته شده: اصل اولی در اوامر، تحقق مصلحت در متعلق امر است و خلاف این مطلب نیازمند دلیل است و متعلق امر در این مورد خود صلاه و صوم کودک می‌باشد پس مصلحت نیز در اتیان آنها وجود خواهد داشت (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶، ص ۳۵۶؛ نجفی، ۱۳۶۷، ج ۱۷، ص ۳۶۱؛ مراغه‌ای، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۶۷). از طرف دیگر نمی‌توان تمام هدف و غرض این دسته روایات را فقط تمرین کودکان دانست. بلکه هدف این روایات مشروعیت عبادات صبی و صحت آنها و تعلق اجر و پاداش به آن است.

روایات دیگری نیز این مطلب را تأیید می‌کنند. مانند روایت: «إذا أتى علي الصبي ست سنين وجب عليه الصلاة، ای ثبت، و اذا اطاق الصوم وجب عليه الصوم» (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۲). از مجموع این روایات و روایات پایانی که در آنها از عبارت وجوب صلاه برای کودک استفاده شده، مصلحت داشتن عبادات کودکان، مشروعیت و صحت آنها استفاده می‌شود. البته باید گفت: این عبادات تا سن بلوغ برای آنها الزامی نخواهد بود، اما مشروعیت و صحت و مصلحت آن باقی است. (فاضل لنکرانی، ص ۳۵۶؛ نجفی، ۱۳۶۷، ج ۱۷، ص ۳۶۱؛ مراغه‌ای، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۶۷).

۲-۱-۱-۶. روایات دال بر مشروعیت عبادات کودکان

الف) جواز امام جماعت شدن کودک

معتبره غیاث بن ابراهیم از امام صادق (ع) که فرمود: «لا باس بالغلام الذی لم يبلغ الحلم ان یوم القوم»؛ امامت جماعت برای کودکی که به سن بلوغ نرسیده اشکالی ندارد (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۳۹۷).

شیخ طوسی در *الخلاف*، امامت جماعت را برای کودک مراهق (نزدیک سن بلوغ) و ممیز اجازه داده و می‌فرماید: «کودک ممیزی که نزدیک سن بلوغ می‌باشد می‌تواند در نمازهای واجب و حتی نمازهای مستحبی که به جماعت خوانده می‌شود مانند نماز عید فطر یا نماز استسقاء امام شود» (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۵۵۳). علامه حلی در *تذکره الفقهاء* نیز همین نظر را پذیرفته است (علامه حلی، بی تا - الف، ج ۴، ص ۲۷۷).

جواهرالکلام در این زمینه می‌نویسد: «بنابر قول مشهورتر چنانچه مأمومین بالغ باشند امام نیز باید بالغ باشد، ولی اگر مأمومین بالغ نباشند، امام می‌تواند کودک غیر بالغ نیز باشد؛ زیرا ظن قوی بر مشروعیت عبادات صبی وجود دارد و ادله نیز این مطلب را ثابت می‌کند» (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۱۳، صص ۳۲۵-۳۲۷).

ب) امر کودکان به نماز و روزه

مانند: «إذا أتى علي الصبي ست سنين وجب عليه الصلاة و اذا اطاق الصوم وجب عليه الصيام»؛ هرگاه کودک به شش سالگی رسید، نماز بر او واجب است و آنگاه که توان

روزه گرفتن داشت، روزه نیز بر او واجب خواهد بود. آیت الله خوانساری در مورد این روایات می‌فرماید: «ظاهر این روایت مطلوبیت و مشروعیت صلاه و صوم کودک را همان گونه که در مورد بالغین وجود دارد، نشان می‌دهد. البته از آنجا که تکالیف با بلوغ واجب می‌شوند این گونه تکالیف بر کودک واجب نخواهند بود» (خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۲، ص ۱۹۱).

ج) روایات دال بر صحت وقف و وصیت کودکان

مانند روایت: «اذا اتی علی الغلام عشر سنین فانه یجوز فی ماله ما اعتق او تصدیقا و اوصی علی حد معروف و حق فهو جایز» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۳۲۱). محقق بحرانی بعد از نقل این روایات می‌فرماید: «ظاهراً دلیل اذن دادن شارع مقدس به کودک برای صدقه، وقف و امامت، به جهت ترتب ثواب برای این اعمال و در نتیجه شریعت و مشروعیت آنهاست» (بحرانی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۵۵).

آیت الله خوانساری نیز همین مطلب را پذیرفته است (خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۲، ص ۱۹۱). از این دسته روایات فهمیده می‌شود که برخی از احکام در حق کودک صادر شده و با عنوان صبی وارد شده و در حق او مصلحت دارد و خود صباوه و کودکی در این روایات مورد حکم قرار گرفته است؛ پس این دسته روایات نشان می‌دهند که کودکان مورد احکام و تکالیف مستحبی قرار دارند و همین مطلب موضوعی است که در صدد اثبات آن بودیم.

۲-۱-۱-۲. حکم عقل

عقل انجام برخی واجبات را در حق همه افراد واجب می‌داند و فرقی بین بالغ و غیربالغ نمی‌داند. مانند: حفظ جان، رد امانت و غیره. همچنین، هر کس این واجبات را اتیان کند مستحق پاداش است، چه سن او به سن بلوغ رسیده باشد یا مقداری از این سن کم باشد؛ بنابراین کودک غیر بالغ در ازای انجام این واجبات مستحق پاداش و ثواب می‌گردد و از این مطلب مشروعیت و استحباب این واجبات در حق کودک اثبات می‌شود و چون نمی‌توان در استحباب داشتن بین واجبات تفاوت قائل شد، باید گفت

که همه واجبات در حق کودک استحباب دارد (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۱۵؛ مراغه‌ای، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۶۷).

به این حکم عقلی ایراد وارد شده و آن اینکه اگر کودک به حکم عقل در برابر اتیان واجبات مستحق پاداش ثواب است؛ بنابراین، باید به حکم عقل در برابر انجام امور حرام و ممنوع مانند ظلم یا قتل نفس مستحق عذاب و عقوبت باشد، درحالی که می‌دانیم شرعاً کودک تا رسیدن به سن بلوغ مستحق مجازات و عذاب و عقوبت نیست، پس همان طور که حکم عقل در مجازات و عذاب کودک به حکم شرع مردود و غیر قابل قبول است، پس حکم به اجر و ثواب او در قبال انجام واجبات و تکالیف نیز مردود و غیرقابل قبول بوده و بنابراین چون عبادات و واجبات برای کودک اجر و پاداش و ثواب ندارد، بنابراین مشروعیت و استحباب هم نخواهد داشت (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶، ص ۳۶۵).

در پاسخ به این ایراد می‌توان گفت: بله به حکم عقل کودکی که مرتکب امور حرام و ممنوع گردد، قابل مجازات و مستحق عذاب است. اما شرع تا سن بلوغ از روی لطف و امتنان این عذاب و عقوبت را از او برداشته است، همانگونه که انسان بالغی که مرتکب امور حرام و گناه می‌شود مستحق مجازات است. اما خداوند در قبال انجام برخی امور مانند گریه بر حضرت سیدالشهداء(ع) عذاب را از او بر می‌دارد (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۱۵).

۲-۱-۱-۸. قاعده لطف

روشن است که لطف خداوند اقتضاء می‌کند که عبادات کودک بدون پاداش و ثواب نباشد، پس اگر کودک عمل نیکی را به قصد قربت به خداوند انجام دهد و خداوند او را از ثواب آن محروم کند، خلاف لطف خواهد بود. □

تا اینجا هشت دلیل از دلایل مشروعیت عبادت را بررسی کردیم که با توجه به آن ادله و نظرات فقهای محترم شیعه به این نتیجه می‌رسیم که عبادات کودکان مشروعیت دارد و صحیح است و مستحق پاداش و ثواب می‌باشد.

۲-۲. تمرینی بودن عبادات کودکان

این نظریه، نظریه دوم از سه نظریه‌ای است که در ابتدای مقاله ذکر کردیم؛ گرچه ما قول اول را با ادله کافی ثابت کردیم، ولی خوب است در ادامه نظریات دیگر و ضعف آن‌ها را نیز مورد بررسی قرار دهیم.

نظریه دوم این است که عبادات کودک تمرینی است؛ بنابراین کودک در برابر انجام تکالیف و واجبات هیچگونه ثواب یا پاداشی از خداوند دریافت نمی‌کند، اگرچه ولی کودک، ثواب تمرین دادن او را دارد.

علامه حلی در *مختلف الشیعه* می‌نویسد: «قول بهتر آن است که روزه گرفتن کودک به جهت تمرین است و هیچگونه مندوبیتی ندارد» (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۵۶؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۶۷). شهید ثانی نیز در *مسالك همین نظر* را پذیرفته و می‌فرماید: «مشروعیت داشتن روزه کودک قابل قبول نیست؛ زیرا خطابات تکالیف به بالغین تعلق می‌گیرد و نظر صحیح آن است که عبادات کودک تمرینی است و شرعی نیست» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۵). قریب به مضمون این عبارت در *روض الجنان و جامع المقاصد* نیز آمده است (شهید ثانی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۷۶۱؛ کرکی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۸۲).

فخر المحققین در *ایضاح الفوائد* نیز قول به عدم صحت روزه کودک را تقویت کرده است (فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۴۳). صاحب *حلائق الناصره* روزه کودک را صحیح ندانسته همانطور که روزه مجنون به دلیل عدم قصد صحیح نیست (بحرانی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۱۶۵).

در جواب این بیانات می‌توان گفت، ادله‌ای که قبلاً بر شرعی بودن عبادات آوردیم کاملاً منظور ما را ثابت کرد. بنابراین این سخنان نمی‌تواند در برابر ادله بسیار و اظهارات فقها در گروه قبل قابل قبول باشد، مگر آن که ادله‌ای برای تمرینی بودن عبادات کودک وجود داشته باشد. بنابراین بهتر است به بررسی ادله این گروه بپردازیم تا ببینیم آیا قابلیت معارضه با ادله گروه اول را دارد یا خیر؟

۲-۱-۲. ادله تمزینی بودن عبادات کودکان

۲-۱-۲-۱. عدم وجود حکم شارع

صحت عبادات کودک نیازمند امر شارع مقدس است و اصل این امر است که امر به عبادات کودک تعلق نگرفته است (فاضل لنگرانی، ۱۴۱۶، ص ۳۵۹؛ نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۳۳۳).

باید گفت که این دلیل پذیرفته نیست؛ زیرا طبق ادله صحت عبادات کودک، اثبات شد که عبادات کودک دارای اوامر استحبابی می‌باشد و به عنوان اعمال مستحبی برای کودک ثابت است.

۲-۱-۲-۲. حدیث رُفَعِ الْقَلَمِ

حدیث «رُفَعِ الْقَلَمِ عَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ» شامل برداشته شدن تمام افعال و تکالیف از کودک می‌باشد، چه تکالیف و جویی و چه استحبابی (عاملی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۴۲).
به این استدلال نیز همان پاسخ قبلی را می‌توان داد و آن اینکه چون اثبات شد تکالیف شرعی با اوامر ندبی در حق کودکان ثابت شده و مشروعیت دارد، بنابراین حدیث رفع القلم شامل اوامر و تکالیف استحبابی نیست؛ بلکه فقط اوامر و جویی و نواهی تحریمی را در بر می‌گیرد. همچنین علاوه بر جواب فوق می‌توان دو جواب دیگر نیز به این حدیث در باب استحباب تکالیف در حق کودکان داد.

اولاً: حدیث رفع القلم امتنانی بوده و از باب لطف به اطفال و کودکان است در حالی که پذیرفته نشدن اعمال مستحبی از کودکان و محروم کردن آنها از ثواب و پاداش خلاف امتنان است (خویی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۴۲).

ثانیاً: ممکن است منظور از حدیث رفع القلم، رفع مجازات و عقوبت از افعال و کارهای ناپسند کودکان باشد و رفع استحباب و اجر و پاداش را شامل نشود. همانطور که در حدیث غدیر نیز آمده است خداوند قلم را از محبین اهل بیت (ع) برداشته است و منظور آن برداشته شدن مجازات و عقوبت می‌باشد (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۳۳۵).

۲-۲-۱-۳. عدم تحقق شرط تکلیف

تکالیف مشروط به بلوغ است پس چون شرط، یعنی بلوغ نباشد، مشروط یعنی تکلیف نیز منتفی خواهد بود (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۵۶؛ نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۳۳۳).

جواب این استدلال نیز قبلاً گفته شد؛ یعنی تکالیف وجوبی مشروط به بلوغ است، ولی تکالیف استحبابی شامل غیر بالغین نیز می‌شود.

۲-۲-۱-۴. برخی روایات دال بر تمرینی بودن عبادت

از جمله این روایات، روایتی است که بیان می‌دارد: افعال عمدی کودک مانند خطا است (۱۴۱۴، ج ۱۹، ص ۳۰۷). جواب این استدلال نیز قبلاً گفته شد و آن اینکه این روایت مربوط به جرایم و مجازاتها است.

همچنین مؤلف مندرج الاحکام بر تمرینی بودن عبادات کودک ادعای اجماع کرده است (مندب الاحکام، ج ۵، ص ۱۷۳). این استدلال نیز قابل قبول نبوده و اجماع مورد ادعا به دو دلیل مردود است:

اولاً: این اجماع مدرکی بوده و کاشف از قول معصوم (ع) نیست. **ثانیاً:** اصلاً اجماعی وجود ندارد؛ چون مشهور فقهاء خلاف این نظر را دارند.

۲-۲-۲. معنی تمرینی بودن عبادات کودکان

کسانی که قائل به تمرینی بودن عبادات کودک شده‌اند، خود بر دو دسته می‌باشند:

گروه اول: عبادات کودکان را مانند بازی کودکان فرض کرده که هیچ پاداش یا ثوابی از سوی خداوند بر آن مترتب نمی‌شود و کودک هیچ نفعی از آن نمی‌برد، مگر اینکه بگوییم ولی کودک که او را تمرین به عبادت می‌دهد، مأجور خواهد بود و مستحق ثواب و پاداش می‌شود. استدلال این گروه با ادله سابق رد شد و ضعف و بطلان آن ثابت گردید.

گروه دوم: مانند گروه اول معتقدند که عبادات کودک لغو و بی اثر است و ثوابی بر آن مترتب نمی‌شود، امّا چون کودک در تمرین کردنش و پیگیری عبادات تلاش

می‌کند، از این جهت برای او ثواب در نظر گرفته می‌شود در این نظریه دو مبنا وجود دارد:

الف) به عبادات کودک امر تعلق نگرفته است و بنابراین مشروعیت ندارد؛ زیرا حدیث رفع القلم هر گونه تکلیف را از کودک رفع می‌کند.

ب) اخبار بسیاری وجود دارد که دلالت بر استحباب تمرین کودکان و پیگیری عبادات آمده است که این استحباب ذاتاً برای کودکان صادر شده و با حدیث رفع القلم نیز برداشته نمی‌شود؛ زیرا حدیث رفع القلم بیان می‌دارد هر تکلیفی که مخصوص بالغین است از کودکان برداشته می‌شود، اما استحباب تمرین که مخصوص کودکان صادر شده را بر نمی‌دارد. بنابراین ثواب و استحباب تمرین وجود خواهد داشت، اما اصل عبادت که مخصوص بالغین است، برای کودکان ثابت نیست.

این استدلال نیز به نظر ما صحیح نیست؛ زیرا چنانکه گفتیم حدیث رفع القلم مشروعیت عبادات را از کودکان بر نمی‌دارد. البته وجوب عبادات را بر می‌دارد، اما استحباب آن را رفع نمی‌کند و شامل مستحبات نمی‌شود. علاوه بر آن، اگر مفاد حدیث رفع، برداشتن احکام و تکالیف استحبابی بود، باید استحباب تمرین را هم منتفی می‌کرد؛ بنابراین تمرین هم استحباب نخواهد داشت (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۴، صص ۱۱۸-۱۲۰؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶، صص ۳۶۶-۳۶۷).

۲-۳. صحت عبادات کودکان

برخی از فقهاء این نظر را انتخاب کرده و معتقد شده‌اند که عبادات کودک صحیح است، گرچه مشروعیت ندارد و نسبت به آن‌ها امر صادر نشده است؛ بنابراین آثار فعل و عمل صحیح بر آن بار می‌شود.

شهید ثانی در مسالک در باب روزه کودک ممیز می‌فرماید: «در صحت نیت کودک و صحت روزه‌اش هیچ اشکالی وجود ندارد. چون صحت از احکام وضعی است و متوقف بر صدور تکلیف نیست؛ اما اینکه این عبادت مشروعیت داشته باشد، قابل تأمل است» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۵). هم ایشان در کتاب *الروضه* می‌فرماید: «عبادات

کودک صحیح است؛ زیرا از احکام وضعی است، اما مشروعیت ندارد» (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۲، صص ۱۰۱-۱۰۲).

در توضیح این استدلال می‌توان گفت که احکام شرعی بر دو نوع وضعی و تکلیفی می‌باشد. احکام تکلیفی که به پنج دسته: وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه تقسیم می‌شوند؛ نیاز به دستور شرعی دارند و بدون آن مشروعیت نخواهند داشت؛ بنابراین ثبوت استحباب برای عبادات کودکان نیازمند دستور شرعی است و چون به نظر این گروه دستورات شرعی فقط مخصوص بالغین است به کودکان تعلق نمی‌گیرد.

احکام وضعی، احکامی هستند که نیازمند خطاب شرعی نیستند و در صورتی که صحیح واقع شوند، اثرشان ایجاد می‌شود. حال فرقی ندارد که از طرف بالغین ایجاد شود یا غیر بالغین؛ بنابراین، اگر کودک مثلاً اقدام به روزه گرفتن کرد، روزه او صحیح است؛ زیرا صحت از احکام وضعی است و اختصاص به مکلفین ندارد، ولی این روزه مشروعیت شرعی نداشته و امر شرعی به آن تعلق نگرفته است (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۷۳؛ خویی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۷۸).

در بررسی این استدلال می‌گوییم این استدلال از دو بخش تشکیل شده که باید جداگانه مورد بررسی قرار گیرد:

الف) بخش اول استدلال این است که عبادات کودک صحیح است چون صحت احکام وضعی است شامل غیر مکلفین نیز می‌شود. این قسمت استدلال صحیح است و ادعای اجماع بر آن نیز شده است (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۷۳؛ خویی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۷۸). علاوه بر این احکام وضعی، عام است و شامل غیر بالغین و کودکان هم می‌شود.

مثلاً این روایت پیامبر (ص) که فرمودند: «من احیا ارض مواتاً فهی له» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۱۵۲؛ حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ص ۳۲۷)، مسلماً مالکیت که حاصل از احیاء موات است که هم شامل بالغین و هم شامل کودکان خواهد بود. و نیز این سخن پیامبر (ص) که فرمودند: «علی الید ما اخذت حتی تودیبه» (ری شهری، ۱۳۹۱، ج ۲،

ص ۱۷۱۴)؛ هر کس چیزی را بدون وجه صحیح در اختیار بگیرد، ضامن است تا آن را به صاحبش برگرداند.

این روایت نیز نشان می‌دهد که اخذ موجب ضمان است، حال چه از بالغ صادر شود و چه از غیر بالغ؛ پس احکام وضعی شامل کودکان نیز می‌شود و این استدلال صحیحی است. این سخن صحیح است و بر محققین ثابت است که احکام وضعی هم شامل بالغین و هم غیر بالغین می‌شود (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۷۵).

ب) بخش دوم استدلال، یعنی مشروعیت نداشتن عبادات کودک اشکال دارد، زیرا: اولاً: ادله‌ای که در بیان قول اول در مشروعیت داشتن عبادات کودک و استحباب آن‌ها گفتیم این ادعا را منتفی می‌سازد.

ثانیاً: این سخن به معنی عدم تلازم بین احکام وضعی و احکام تکلیفی است. توضیح آنکه چنانکه قایل باشیم عبادات صبی صحیح است، اما مشروعیت ندارد، مفهوم آن این خواهد بود که حکم وضعی صحت بر آن بار می‌شود؛ ولی حکم تکلیفی استحباب بر آن حمل نمی‌گردد و این سخن به معنی عدم تلازم بین احکام وضعی و احکام تکلیفی است.

درباره این ادعا دو نظریه وجود دارد:

نظریه اول که نظر مشهور فقها است، این است که احکام وضعی مستقل نبوده، بلکه از احکام تکلیفی انتزاع شده و گرفته شده است (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۶، ص ۳۷؛ فاضل تونی، ۱۴۱۵، ص ۲۰۲؛ قمی، ۱۳۰۸، ج ۲، ص ۵۴).

نظریه دوم نیز این است که احکام وضعی جعل و وضع مستقل دارند و هیچ ارتباط و تلازمی به احکام تکلیفی ندارند (عاملی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۴۲).

به نظر می‌رسد نظر اول یعنی انتزاع احکام وضعی از احکام تکلیفی صحیح است و بنابراین تلازم بین احکام وضعی و احکام تکلیفی وجود دارد. در اثبات این مدعا به سخن شیخ انصاری استناد می‌کنیم ایشان می‌فرماید: «صحت در عبادات به معنی موافقت فعل اتیان شده با آنچه شارع مقدس دستور داده، می‌باشد و فساد به معنی مخالفت فعل به بجا آورده با آنچه دستور شارع بوده می‌باشد، پس این شارع است که صحت و فساد را جعل کرده و آن‌ها را با امر شرعی (امر وجوبی یا استحبابی) موافق

باشد متصف به صحت و در غیر این صورت باطل خواهد بود. بنابراین همانطور که بدون تحقق مأموریه نمی‌توان حکم به صحت داد به همین صورت نمی‌توان بدون مشروعیت عبادت، قائل به صحت آن شد. پس صحت و مشروعیت با هم متلازم هستند و قابل جداسازی از هم نمی‌باشند».

نتیجه‌گیری

با توجه به استدلال‌های مطرح شده، نظریه مشهور فقهای شیعه مبنی بر مشروعیت داشتن عبادات کودکان و ثبوت استحباب شرعی برای این عبادات، قابل قبول است زیرا:

تقییدی در این عمومات و اطلاقات نسبت به بالغین ثابت نیست، البته تخصیص در تکالیف الزامی نسبت به بالغین وجود دارد، اما تکالیف استحبابی مختص به بالغین نبوده و کودکان را نیز شامل می‌شود.

مواردی که مستقیماً دلالت بر امر کردن کودکان به نماز و روزه دارند، تأیید می‌کنند که عبادات کودکان دارای امر شرعی بوده و مشروعیت و استحباب برای آن ثابت است.

این دسته روایات و روایات دیگر که مستقیماً در آنها به کودک اشاره شده به گونه‌ای قوی‌تر و محکم‌تر مشروعیت عبادات کودک را ثابت می‌کنند؛ زیرا این دسته از روایات دقیقاً به موضوع کودک پرداخته و در همین رابطه صادر شده و در آنها نیاز به اثبات تخصیص یا عدم تخصیص به بالغین مانند موارد قبلی نیست؛ از جمله این روایات روایت جواز امامت جماعت کودک و نیز امر به اتیان نماز و روزه درباره کودکان می‌باشد.

پذیرش عقل بوده و بر عکس پذیرفته نشدن و عدم مشروعیت خلاف لطف و امتنان

است و مستلزم این است که سعی و تلاش کودکان ضایع شده و آن‌ها هیچ پاداشی در این باره دریافت نکنند، این مطلب نیز خلاف صریح آیات قرآن و روایات می‌باشد. کودکان پذیرفته شده و صحیح واقع می‌شود می‌توان گفت: با توجه به دلالت ادله عبادات کودکان نیز مورد قبول واقع شده و مشروعیت دارد.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق)، *السرائر*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق)، *لسان العرب*، قم: نشر ادب حوزه.
- اردبیلی، احمد (۱۴۰۳ق)، *مجمع الفائده و البرهان*، قم:س جامعه المدرسین حوزه علمیه قم.
- انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۳)، *کتاب الصوم*، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول.
- بجنوردی، محمدحسن (۱۴۱۹ق)، *القواعد الفقهیه*، قم: نشر الهادی، چاپ اول.
- بحرانی، یوسف (بی‌تا)، *الحدائق الناضره*، قم: جماعه المدرسین.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق)، *الصحاح*، قاهره: دار العلم للملایین، چاپ چهارم.
- حرعاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴)، *وسایل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث، چاپ دوم.
- حسنی قندهاری، محمد آصف (۱۴۲۴)، *الفقه و مسائل طیبه*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- حسینی عاملی، سید محمد جواد (۱۴۱۹)، *مفتاح الکرامه*، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول.
- خوانساری، سید احمد (۱۳۵۵ق)، *جامع المدارک*، تهران: مکتبه الصدوق، چاپ دوم.
- خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۸)، *موسوعه الإمام الخوئی*، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی، چاپ اول.
- همو، (۱۳۷۱)، *مصباح الفقاهه*، نجف: انتشارات قدیر، چاپ سوم.
- همو، (۱۴۱۰)، *مبانی منهاج الصالحین*، قم: انتشارات مهر، چاپ دوازدهم.

- همو، (۱۴۲۲ق)، مصباح الاصول، قم: نشر الفقه، چاپ اول.
- ری شهری، محمد (۱۳۹۱)، میزان الحکمه، قم: دار الحدیث، چاپ ششم.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۱ق)، اللمعه الدمشقیه، قم: انتشارات دار الفکر، چاپ اول.
- همو، (۱۴۱۲ق)، الدروس الشرعیه، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۰۴ق)، روض الجنان فی شرح ارشاد الازدهان، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ سنگی.
- همو، (۱۴۱۰ق)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، قم: انتشارات داوری، چاپ اول.
- همو، (۱۴۱۳)، مسالک الافهام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول.
- همو، (۱۴۱۶ق)، تمهید القواعد الأصولیه و العربیه لتفریح قواعد الأحکام الشرعیه، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- طباطبایی حائری، سید علی بن محمد (۱۴۱۸)، ریاض: المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
- طباطبایی حکیم، سید محسن (۱۴۰۸)، حقائق الاصول، قم: مکتبه بصیرتی، چاپ پنجم.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- همو، (۱۳۸۷ق)، المبسوط، بی جا: المکتبه المرتضویه.
- همو، (۱۴۱۷ق)، الخلاف، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول.
- همو، (بی تا)، النهایه، بیروت: دار الاندلس.
- عاملی، سید محمد (۱۴۱۰)، مدارک الاحکام، قم: انتشارات مؤسسه آل البيت، چاپ اول.
- عراقی، آقاضیاء (۱۴۰۵)، نهائیه الافکار، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول.
- عسکری، ابو هلال (۱۴۱۲ق)، الفروق اللغویه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳)، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- همو، (۱۴۲۰ق)، تحریر الاحکام، قم: مؤسسه امام الصادق (ع)، چاپ اول.
- همو، (بی تا - الف)، تذکره الفقهاء، قم: مکتبه الرضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- همو، (بی تا - ب)، منتهی المطلب، تبریز: حاج احمد، چاپ اول.
- فاضل تونی، عبد الله بن محمد (۱۴۱۵ق)، الاجتهاد و التقليد (الوافیه فی الاصول)، قم: مجمع الفکر الإسلامی، چاپ دوم.

فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۶)، *القواعد الفقهیه*، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع).

فخرالمحققین، محمد بن الحسن (۱۳۸۷ق)، *ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد*، قم: نشر آیت الله محمود شاهرودی، چاپ اول.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *العین*، بی جا: مؤسسه دار الهجره، چاپ دوم.

کرکی، علی بن حسین (۱۴۰۸ق)، *جامع المقاصد*، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.

محقق حلی، جعفر بن الحسن (۱۴۰۹ق)، *شرایع الاسلام*، تهران: انتشارات استقلال، چاپ اول.

همو، (۱۴۱۰ق)، *مختصر النافع*، تهران: مؤسسه البعثت، چاپ اول.

محقق داماد، سید محمد (۱۴۰۵)، *کتاب الصلاه*، قم: مؤسسه نشر الاسلامی، چاپ اول.

مراغه‌ای، میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ق)، *العناوین*، قم: مؤسسه نشر الاسلامی، چاپ اول.

میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۳۰۸ق)، *قوانین الاصول*، تهران: دارالطباعه میرزا حبیب‌الله، چاپ اول.

نجفی، محمدحسن (۱۳۶۷)، *جواهر الکلام*، تهران: دارالکتبه الاسلامیه، چاپ سوم.

نراقی، احمد (۱۴۱۵ق)، *مستند الشیعه*، مشهد: مؤسسه آل البيت، چاپ اول.